





مهربانو

گاهنامه فرهنگی حوزه زنان انجمن اسلامی دانشکده شریعتی

سال هشتم شماره یازدهم، پاییز ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده شریعتی

مدیر مسئول: زهرارجی

سردبیر: ریحانه حکمت پژوه

هیئت تحریریه: ریحانه حکمت پژوه، هدیه قاپینی، زهرا عباسیان ، فاطمه زهرا

زکی پور

طراح و صفحه‌آرا: زهرارجی

فهرست مطالب

- ۲ سخن سردبیر
- ۴ وقتی ایمان از دل ویرانی می روید
- ۶ از قلب ایران تا کوچه های غزه
- ۹ سکوت حقیقت در سایه ی سیاست
- ۱۳ زن پیشگام میدان انسانیت

سخن سر دیر

در جهانی که بر مدار قدرت می‌چرخد و اجرای عدالت انتخابی و براساس منفعت سیاسی است، صدای زنان هنوز بلندترین فریاد بی‌سلاحی است که جهان شنیده است. زنانی که در دل ویرانی، بذر زندگی می‌کارند؛ در میانه‌ی حصر و قحطی و جنایات بی‌وقفه جنگی، به کودکان آموختن را می‌آموزند و در عصر فراموشی، حافظان حقیقت‌اند. قرن‌هاست جهان از زنان خواسته در حاشیه بمانند، اما تاریخ بارها ثابت کرده که هیچ انقلابی، هیچ حرکت انسانی و هیچ بازسازی‌ای بدون حضور زن معنا نمی‌یابد. زن، تنها نیمی از جامعه نیست؛ او نقطه‌ی آغازِ پیدن دوباره‌ی آن است. امروز، در جهانی که عدالتش گزینشی و انسانیتش فراموش‌کار و البته برای عده‌ای خاص قابلیت اعمال دارد، زنان به جای تسلیم، به عاملیت روی آورده‌اند؛ عاملیتی که از دل رنج زاده می‌شود، اما در مسیر آگاهی و اثرگذاری قد می‌کشد. آنان نه در میدان نبرد، که در هر خانه، مدرسه، پناهگاه و خیابان، سنگر ساخته‌اند. سنگرِ دانستن، پرورش دادن و زنده کردن روح انسان آزاد. در عصر بی‌رحمی، زنانی که زندگی را بازمی‌سازند، شجاع‌ترین مقاومت‌کنندگان جهان‌اند. در زمانه‌ای که «دفاع از حقوق زن» به ابزاری برای نمایش‌های سیاسی و تبلیغاتی بدل شده، شاهد

آن هستیم که قدرت‌های بزرگ جهان با ژست انسان‌دوستی، در مجامع بین‌المللی از کرامت زن سخن می‌گویند، اما در عمل، همان مدعیان عدالت و آزادی، در گوشه‌ای دیگر از جهان، چشم بر فجیع‌ترین اشکال سرکوب، خشونت و قتل‌عام زنان می‌بندند. این تناقض آشکار، نه تنها حقیقت عدالت‌خواهی آنان را زیر سؤال می‌برد، بلکه نشان می‌دهد مفاهیمی چون «حقوق بشر» و «حقوق زن» در گفتمان سلطه‌گرانه‌ی امروز، بیش از آن‌که واقعیتی اخلاقی باشد، به ابزاری سیاسی برای پیشبرد منافع و فشار بر ملت‌های مقاومی که زیر بار استعمار نمی‌روند؛ تبدیل شده‌است. شاید قدرت جهان در تخریب باشد، اما قدرت زن در ادامه دادن است و همین، بزرگ‌ترین تهدید برای نظام استکباری حاکم بر جهان است. سخن ما در این صفحات، ادای احترامی است به تمام زنانی که جهان را، با وجود جهان، نگه داشته‌اند. زنانی که نه قربانی، که روایتگر و خالق آینده‌اند.



وقتی ایمان از دل ویرانی می‌روید

ریحانه حکمت پژوه
حسابداری



دشمن به‌خوبی می‌داند تا زمانی که زنان فلسطینی زنده و استوارند، نسل مقاومت خاموش نخواهد شد. از همین رو، حملات بی‌وقفه به زنان و کودکان تنها جنبه‌ی نظامی ندارد؛ بلکه تلاشی برای نابودی روح مقاومت از درون خانواده‌ها و نسل کشی برنامه‌ریزی شده است. قتل‌عام آنان بخشی از سیاستی حساب‌شده برای از بین بردن آینده‌ای که زنان فلسطینی با ایمان و تربیت خود می‌سازند. اما تاریخ گواهی می‌دهد که این هدف هرگز محقق نخواهد شد. زنان فلسطینی امروز نه‌تنها در برابر اشغالگری ایستاده‌اند، بلکه صدای ملت خود در جهان شده‌اند. از خبرنگارانی که زیر آتش، تصاویر جنایت را به دنیا می‌فرستند تا پزشکان، معلمان و دانشجویانی که از عدالت و حقیقت سخن می‌گویند، همگی نمایندگان وجدان بیدار بشریت‌اند. در جهانی که بسیاری در برابر حقیقت سکوت کرده‌اند، زنان فلسطینی پرچم انسانیت را برافراشته‌اند. آنان از دل ویرانی‌ها، مفهوم تازه‌ای از زن بودن را زنده کرده‌اند؛ زنی که هم مادر است، هم پرستار، هم معلم و هم مبارز. ۲۵ مهر یادآور آن است که پشت هر تصویر از کودکی شهید، زنی ایستاده که دلش شکست اما ایمانش نه. زنانی که به‌رغم همه‌ی رنج‌ها، هنوز باور دارند زندگی ارزش زیستن دارد و آزادی روزی از راه خواهد رسید. آنان قلب تپنده‌ی مقاومت فلسطین‌اند؛ و جهان، دیر یا زود، ناچار است در برابر ایمانشان سر تعظیم فرود آورد.

۲۵ مهر، روزی که جهان باید به یاد بیاورد چگونه کودکان و زنان بی‌گناه فلسطینی قربانی فجیع‌ترین اشکال خشونت و نسل‌کشی در عصر مدرن شده‌اند. اما در ورای این تصویر دردناک، حقیقتی ژرف‌تر نهفته که زنان فلسطینی ستون‌های استوار مقاومت و ماندگاری این سرزمین‌اند. در طول دهه‌ها اشغال و سرکوب، زنان فلسطینی نقشی فراتر از تعاریف سنتی از زنان ایفا کرده‌اند. آنان در عین مادر بودن، آموزگار مقاومت‌اند؛ زنانی که در زیر بمباران، خانه را به پناهگاه ایمان و پایداری تبدیل کرده‌اند. در حالی که عزیزان خود را از دست داده‌اند، همچنان نسل‌های بعدی مبارز را پرورش می‌دهند. در کنار مردان، و گاه پیش‌تر از آنان، در میدان‌های نبرد، امداد و آموزش حضور دارند و نشان داده‌اند مقاومت فقط در سنگ و اسلحه خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در دستان مادری جریان دارد که کودکش را با عشق به سرزمین و آزادی بزرگ می‌کند. در سال‌های اخیر، به‌ویژه در جنگ‌های پی‌درپی علیه غزه، بیش از نیمی از قربانیان را زنان و کودکان تشکیل داده‌اند. اما در برابر این خشونت سیستماتیک، زنان فلسطینی از نقش سنتی “پشت جبهه” فراتر رفته‌اند و به پیش‌قراولان پایداری و حیات اجتماعی تبدیل شده‌اند. آنان پرستار، معلم، روان‌درمان‌گر، خبرنگار و ستون روحی جامعه‌اند. با وجود نبود آب، دارو و امنیت، زندگی را از نو می‌سازند و امید را زنده نگه می‌دارند. این توانایی شگفت‌انگیز برای سازندگی در دل ویرانی، خود عمیق‌ترین نوع مقاومت است.

از قلب ایران تا کوچه های غزه

زهرا عباسیان

مهندسی کامپیوتر



زنان همواره در طول تاریخ نماد مهر، ایثار و مقاومت بوده‌اند و در مسئله‌ی فلسطین نیز این حقیقت به‌زیبایی جلوه‌گر شده و در حالی که مردم بی‌دفاع غزه سال‌هاست زیر آتش جنگ و محاصره زندگی می‌کنند، زنان در سراسر جهان با صدای رسا در صف نخست حمایت از مظلومان فلسطینی ایستاده‌اند. در ایران، زنان از آغاز شکل‌گیری نهضت‌های ضداستعماری تا امروز همواره در کنار مردم فلسطین بوده‌اند. مادران شهدا، هنرمندان، فعالان اجتماعی و دانشجویان زن ایرانی در تجمعات، پوشش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی خود، فریاد مظلومیت فلسطین را به گوش جهانیان رسانده‌اند. از راهپیمایی روز قدس گرفته تا تولید آثار هنری، شعر، فیلم و طراحی لباس‌هایی با نماد پرچم فلسطین، زنان ایرانی نشان داده‌اند که دفاع از عدالت، جنسیت نمی‌شناسد. بسیاری از بانوان خبرنگار ایرانی نیز با خطر کردن در مناطق جنگی، تصاویری از رنج کودکان غزه منتشر کرده‌اند تا جهان چشم خود را بر واقعیت نبندد. یکی از جلوه‌های درخشان این همدلی، نهضت اهدای طلای زنان ایرانی برای مردم غزه است. در حالی که مردم فلسطین در زیر بمباران به نان شب محتاج‌اند، زنان ایرانی با دل‌هایی سرشار از انسانیت و ایمان، از دارایی شخصی خود گذشته و طلاهایشان را برای کمک به زنان و کودکان بی‌پناه غزه تقدیم کردند. این حرکت خودجوش، نه تنها نماد ایثار و همبستگی انسانی بود، بلکه نشان داد که عشق و مسئولیت‌پذیری زنان ایرانی محدود به مرزهای جغرافیایی نبوده و آنان در سخت‌ترین شرایط نیز مظلومان را تنها نمی‌گذارند. اما این حمایت تنها محدود به ایران نبوده و در کشورهای مختلف جهان نیز زنان بسیاری با شجاعت و آگاهی از مردم فلسطین دفاع کرده‌اند. از فعالان حقوق بشر در اروپا گرفته تا سلبریتی‌های هالیوودی و هنرمندان مستقل، همگی با استفاده از شهرت خود، صدای مردم بی‌پناه فلسطین را به رسانه‌ها رسانده‌اند.

نمونه‌هایی چون بلا حدید، مدل آمریکایی فلسطینی‌تبار، بارها در تجمعات ضد جنگ شرکت کرده و حتی با وجود از دست دادن قراردادهای تبلیغاتی، سکوت نکرده است. در اروپا نیز زنان فعالی چون آلیس واکر، نویسنده و برنده جایزه پولیتزر، با قلم خود جنایات علیه مردم غزه را محکوم کرده‌اند. در دانشگاه‌های آمریکا و انگلیس، دختران دانشجویان از پیشگامان تحصن‌ها و حرکت‌های بایکوت اقتصادی علیه رژیم صهیونیستی بوده‌اند. در این میان، نام گرتا تونبرگ، فعال جوان محیط‌زیست سوئدی، نیز به عنوان یکی از چهره‌های جهانی که شجاعانه از مردم فلسطین دفاع کرده، می‌درخشد. او با وجود فشار شدید رسانه‌ای و سیاسی، در سخنرانی‌ها و پست‌های خود در شبکه هاب اجتماعی خواستار توقف نسل‌کشی در غزه شد و از همبستگی با ملت فلسطین سخن گفت. گرتا نشان داد که دغدغه‌ی انسان و کرامت انسانی، فراتر از مرزها و موضوعات سیاسی بوده و وجدان بیدار می‌تواند از زبان یک دختر جوان غربی نیز جهان را تکان دهد. این زنان، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، نشان داده‌اند که وجدان انسانی مرز نمی‌شناسد. حمایت آنان از مردم فلسطین، نه صرفاً یک اقدام سیاسی، بلکه فریادی انسانی در برابر بی‌عدالتی است. آنان با خطر از دست دادن شغل، اعتبار یا حتی امنیت خود، حقیقت را ترجیح داده و ثابت کرده‌اند که زن بودن یعنی ساختن، پروراندن و ایستادن در کنار مظلوم. در نهایت، نقش زنان در حمایت از فلسطین، به خصوص در دو سال گذشته نه تنها بیانگر قدرت و آگاهی آنان بوده بلکه یادآور این حقیقت است که وجدان بیدار جهانی می‌تواند از دل محبت و انسانیت برخیزد. هر زنی که امروز در هر گوشه‌ای از جهان برای دفاع از مردم فلسطین قدمی برمی‌دارد، در واقع در صف مقدم مبارزه با ظلم و در مسیر تحقق عدالت جهانی ایستاده است.



سکوت حقیقت در سایه ی سیاست



فاطمه زهرا زکی پور
شبکه های کامپیوتری

می‌دهد، اما در عمل، هر روز انسان‌های بیشتری را از بین می‌برد. در این میان، سازمان‌های بین‌المللی که باید از زنان و کودکان دفاع کنند، هیچ کاری انجام نمی‌دهند. هیچ صدایی از آن‌ها شنیده نمی‌شود، انگار درد فلسطین در گوش دنیا نمی‌پیچد. اما تاریخ همیشه سکوت نمی‌کند. همان‌طور که چهره واقعی داعش و طالبان روزی برملا شد، روزی هم حقیقت درباره جنایات اسرائیل آشکار خواهد شد. آن روز، دنیا خواهد فهمید که چه ظلمی در برابر چشم همه اتفاق افتاده است. تا آن زمان، گفتن واقعیت وظیفه‌ی هر انسان آزاده است. شاید نتوانیم جلوی موشک‌ها را بگیریم، اما می‌توانیم اجازه ندهیم حقیقت بمیرد با وجود تمام این ظلم‌ها، امید هنوز زنده است. در دل ویرانه‌های غزه، هنوز کودکان هستند که لبخند می‌زنند و با سنگ در برابر تانک ایستادگی می‌کنند. مردم فلسطین ثابت کرده‌اند که ایمان و مقاومت از هر سلاحی نیرومندتر است. وجدان‌های بیدار در سراسر جهان نیز آرام نمی‌نشینند؛ صداهایی که از دل ملت‌ها بلند شده، روزی دیوار سکوت را فرو خواهد ریخت. شاید دیر، اما عدالت خواهد آمد. خون ریخته بی‌گناهان خاموش نمی‌ماند و حقیقت، حتی زیر آوار هم، راه خود را پیدا خواهد کرد.

در دنیایی که همه از حقوق بشر و آزادی حرف می‌زنند، مردم فلسطین هنوز زیر بمباران زندگی می‌کنند. زنانی که فرزندان‌شان را در آغوش می‌گیرند تا از مرگ نجاتشان دهند، کودکانی که در زیر آوار فریاد می‌زنند و صدایی نمی‌رسد. رژیم اسرائیل سال‌هاست با حملات مداوم، خانه‌ها، بیمارستان‌ها و مدارس را ویران کرده و زندگی مردم بی‌دفاع را نابود می‌کند. با این حال، نهادهای جهانی سکوت کرده‌اند. همان کشورهایی که ادعای دفاع از آزادی دارند، در برابر این جنایات یا بی‌تفاوت‌اند یا از آن حمایت می‌کنند. در حالی که جهان باید فریاد بزند، تنها سکوت شنیده می‌شود. آیا خون کودکی که در غزه کشته می‌شود رنگش با خون کودکان دیگر فرق دارد؟ چرا جان انسان‌ها در فلسطین این‌قدر بی‌ارزش شمرده می‌شود؟ رفتار اسرائیل از بسیاری نظر‌ها شبیه رفتار گروه‌های تروریستی مثل داعش و طالبان است. آن‌ها با خشونت و قتل، رعب ایجاد می‌کردند و اسرائیل هم با بمب و محاصره همین کار را در مقیاسی بسیار بزرگ‌تر انجام می‌دهد. اگر داعش سر می‌برد، اسرائیل با موشک، هزاران انسان را از میان می‌برد. تفاوت در روش است، نه در نتیجه. رسانه‌های غربی هم تصویر را برعکس نشان می‌دهند. قاتل را قربانی معرفی می‌کنند و مردم بی‌دفاع را مقصر. این دروغ بزرگ باعث شده بسیاری از مردم جهان ندانند واقعاً چه می‌گذرد. اسرائیل با ژست دفاع از خود، چهره‌ای انسانی به خود



زن، پیشگام میدان انسانیت



هدیه قایینی

گرافیک

برخی از آنها نیز گفتند که به زور حجاب از سرشان برداشتند! در همین حال هنوز برخی از شیرزنان کشتی صمود به کشورهای خود برگشتند؛ مادلین حبیب هنوز هم در چنگال صهیونیست‌ها است و کسی از وضعیت او خبر ندارد، یا ریس ریگو که همراهانش به اسپانیا برگشتند اما او هنوز در زندان به سر میبرد. جریشان چیست؟ همدردی با زنانی که سال‌هاست زیر توپ و تانک نیروهای اسرائیلی هستند؟ جریشان چیست؟ انسانیت؟ جرم این زنان شجاعت بود! آنها شعار فلسطین آزاد را عملی کردند، آنها آمدند، گرچه به مقصد نرسیدند اما به هدفشان که تحقیر اسرائیل و جهانی کردن فلسطین بود رسیدند. به اسرائیل گفتند ببین؛ ما از تو نمیترسیم. ما، این جنس لطیف؛ در مقابل تو مشت می‌شویم. توقف کشتی‌ها آن‌ها را نترساند، بلکه آنها را از راهشان مطمئن‌تر کرد. فهمیدند تمام باورهایشان نسبت به ظلم اسرائیلی‌ها حقیقت داشت، که واقعا زن بودن در غزه ورای باورهایشان سخت بود. زنی از کاروان صمود، پس از آزادی داد میزد که ای رژیم اسرائیل اشتباه کردی! تو با بازداشت و تحقیر ما به جهان ثابت کردی که هیچ رحمی حتی مقابل زنان بی‌گناه نداری! که افسانه‌های غزه، واقعا، افسانه نبودند، تمام جنایت‌ها حقیقی بودند و ما؛ زنان کاروان صمود، اگر ذره‌ای تعلل داشتیم، حالا از همیشه مطمئن‌تر برای غزه می‌جنگیم! دیگر با هیچ تهدید و زور و خشونت نمی‌توانید صدای ما را قطع کنید، ما صدای زنان شجاع غزه‌ایم، ما توانمان را از توان مادران فلسطینی می‌گیریم! زنان صمود؛ نشان دادند، زن می‌تواند بجنگد، میتواند سردمدار جنگ علیه باطل باشد و زن می‌تواند رهبر باشد!

ناوگان جهانی صمود راه افتاد، نه فقط برای شکستن محاصره؛ بلکه برای نشان دادن وجه حقیقی مقاومت به جهانیان. شرکت کنندگان از هر نژاد و کشور و جنسیتی به این پویش پیوستند تا دست در دست هم برای مردم غزه، کودکان غزه بجنگند؛ نه با تیر و تفنگ، اما با صدا و قمار کردن زندگی خود، پا به این میدان گذاشتند. در این میان، زن به میدان آمد در حالی که خبر داشت ممکن است با وحشیانه‌ترین رفتارها مواجه شود. زنانی آمدند تا بگویند، با وجود تمام خطرات ما می‌آییم، چون صدای مظلوم بلندتر از هر قیل و قال رسانه‌های غرب است. یک کشتی صمود به زنان تعلق گرفت، از مدیریتانه حرکت کردند تا محاصره غزه را بشکنند، چون نمی‌توانستند ببینند زنانی همچون خودشان در گوشه‌ای از این دنیا، میان زندگی روزمره مردم جهان، در حال سوگواری برای نوزاد شهیدشان هستند. همین شد که کشتی زنان صمود شکل گرفت. هر کدامشان؛ فرزندی، پدر و مادری را چشم انتظار گذاشتند تا به مردمی ناآشنا دست یاری برسانند... این زنان از میان ما بودند، هویت دارند، هر کدام در کشورهایشان خانه و زندگی دارند اما از همه‌ی این‌ها گذشتند؛ آمدند تا حصارهای ظلم را بشکنند در حالی که ممکن بود در این راه روحیه لطیفشان بشکند، که همین هم شد! زمانی که کشتی‌ها متوقف شدند و فعالان بازداشت رژیم منحوس اسرائیل شدند، دنیا فهمید که فرقی ندارد گرتا تونبرگ سوئدی باشی یا رزان انجار فلسطینی، در هر صورت صدای حق باید خاموش شود! فعالان همه دستگیر شدند و در بند زندان‌های مخوف صهیونیست‌ها افتادند. هر کدام از زنان پس از رهایی از دست صهیونیست‌ها اذعان کردند که با آن‌ها رفتارهای تحقیر آمیز شده است،



سلام و درود می‌فرستم به همه زنانی که بار این مرحله حساس تاریخ را بر دوش می‌کشند ... به مادران، همسران، دختران و خواهران شهدا و مجروحان ... و به زنانی که با تبعید و غربت و سختی زندگی روبرو هستند، با ثبات و استقامت ایستادگی می‌کنند.

شهید سید حسن نصرالله، ۱۸ مارس ۲۰۱۷ به مناسبت «روز زن مسلمان»

